

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد طاهر - امریکا

۲۰ مارچ ۲۰۲۲

جنبش زنان و طالبان

بخش ۷

کدام عوامل سبب پراکندگی و وقفه در جنبش زنان معترض افغانستان شده اند؟

طالبان طی هفت ماه حاکمیت جبری که هویت ملی و بین المللی ندارند، به وسیله دستگاه های ویژه سرکوب و پولیس با آزاد اندیش، دگر اندیش، معترض خیابانی، منتقد سخنور و تحلیگر، آواز خوان، روز نامه نگار، آهنگ نواز، آهنگ شنو و هر آنکه و هر آنچه به قانون شریعت شان برابر نیست، برخورد زشت ضد انسانی و استبدادی نموده و آنها را با نوک تفنگ، زندان و اعدام صحرایی از پیش چشم شان دور می سازند.

جنبش زنان این صدای رسای مردم که خواهان حاکمیت قانون، بر استبداد طالبان است. از آن جمله اعتراضاتی است که با قانون شریعت طالبی در مغایرت قرار دارد. خواست مردم افغانستان برقراری نظام مردم سالاری است، نظامی که همه مردم از حقوق مساوی در آن برخوردار باشند. برای تأمین این هدف (نظام مردم سالار) زنان افغانستان پیش قدم شدند. زنان در افغانستان سالهاست که به وسیله حاکمان دولت های مستبد، مرد سالار و دین سالار، از حقوق و آزادی های مدنی محروم اند. از این که جنبش بدون خشونت زنان ظرفیت فراگیر شدن را دارد، در تقابل با خشونت نظام زن ستیز طالبان قرار گرفته است.

فقر و بیکاری روز افزون عوامل اعتراض برانگیز اند، اما ذهن زحمتکش را ترس و دلهره از استبداد رژیم طالبان، مانند تارهای عنکبوت محصور نموده و کمر شان را لباس های سنگین و مندرس، دین، فرهنگ و سنت های قبیلہ نی، خم گردانیده و هم کمبود عناصر آگاه، سبب شده است که حرکت ها، اعتراضات و نارضایتی های خود جوش مردم علیه نظام متحجر طالبان، پراکنده بوده و احتمال آن می رود که این جنبش ها «سرکوب» و یا استحاله گردند.

وقتی طالبان خواستند دامن جنبش زنان را با برچسب های، سیاسی و دینی، لکه دار و بد نام سازند. زنان نیز برای تیرئه جنبش، و کسب و حمایت مردم، گامی به عقب گذاشتند. این توقف اعتراضات زنان، از دیدگاه طالبان شکست و از نظر بعضی مفسران و تحلیل گران سیاسی سرکوب تلقی گردیده است. همانگونه که جنبش زنان نظر به شرایط مشخص با عناصر خود انگیخته، جوشید و به غلیان آمد، به همان شکل نظر به وضعیت پیش آمده در خود فرو رفت

و جوشش آن فرو کش کرد. این سکون یا وقفه بایست ایجاد می شد، تا جنبش زنان از پراکندگی و ضربه نجات می یافت. گرچه این سکوت را بعضی دست اندرکاران سیاسی ضروری نمی پندارند، ولی هر گاه به شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی افغانستان به طور دقیق نظر اندازی صورت گیرد، دیده می شود که این وقفه، در جنبش زنان برای به دست گرفتن کنترل احساسات بانوان که حاصل بی تجربگی و عدم آگاهی از اعتراضات خیابانی بود، ضروری پنداشته می شود.

قراری که می دانید، نزد مردم افغانستان و خانواده های بانوان معترض، دین، فرهنگ و سنت های خرافاتی مروج، ارزش به مراتب بالاتر از مطالبات مشروع و مدنی زنان را دارند. حفظ «حیثیت» و «آبروی» فامیل و خانواده، از دید آنها والاتر از فداکاری دختران و زنان شان است. مردم هر قدر هم که سواد داشته باشند، در تنور دین، آتشکده فرهنگ و دیگدان سنت های قبیله ئی مسلط در جامعه افغانستان همانگونه که سالها سوختند، باز هم می سوزند. مردم افغانستان در پایان قرن بیست و یک، که جهان و کیهان را ساینس و تکنولوژی، تسخیر نموده است، هنوز نیاموخته اند که چگونه خود را از چنگال خرافات و سنت های مسلط خانواده، قوم و قبیله، نجات دهند.

این تنها مردم و به خصوص زنان افغانستان نه، بلکه زنان اکثر کشورها و به خصوص زنان مسلمان در پنج قاره جهان اند که حقوق و آزادی مدنی شان، توسط نظام های مردسالار و دین ستیز و هم به وسیله مردان خانواده غضب شده و مانند برده از ایشان استفاده می گردد. با تزریق خرافات دینی و فرهنگی توسط ملاها، آخوند ها، ریش سفیدان قوم و قبیله، در ذهن مردان، آنها را تا آخر عمر با ترس از خدا و «روز آخرت» و رؤیای گشودن دروازه های جنت به رخ شان نشئه و منتظر نگاه می دارند. این مردان که وسیله ارتباطی بین مسجد، ریش سفید قوم و بزرگ قبیله با خانواده اند، پیام هائی را از خطابه ملای مسجد، فیصله جرگه های قومی و قبیله ئی، به گوش زنان و دوشیزگان شان می رسانند و بانوان را از آموزش علم و رفتن به مدرسه مانع شده، تحصیل و تعلیم را کفر پنداشته و با تفسیر و تعبیر شان از دین و مذهب، ذهن اعضای خانواده را چنان با ترس و دلهره مملو و مغز شوئی می نمایند، که با اندک تعلل و اشتباه و سرپیچی از نصایح و دستور مردان فامیل، ملا و آخوند مسجد و بزرگان خانواده، قبیله و قوم، دروازه های ورد به بهشت بر روی شان بسته شده و از مزایای آن محروم می گردند.

یگانه راه نجات زنان از استبداد مرد سالاری و زن ستیزی، شکستن زنجیر های خرافات، فرهنگ و دین، از ذهن شان است. برای شکستن این زنجیر به آگاهی، و فرا گرفتن دانش، ضرورت است تا خود را از زیر چتر سیاه مرد سالاری و تاریک اندیشی نجات دهند. نخستین گامی را که زنان و مردان آگاه و روشنفکر، برای روشنگری خانواده و به خصوص زنان فامیل بر می دارند، این است که معتقد شوند که چرا زنان به خرافات، فرهنگ و سنت های مروج هنوز پایبند اند. چگونه ذهن زنان را روشن ساخت که زن «ناقص العقل» نیست. چگونه توضیح و عملی نشان داد که عقل زنان در بسیاری مسائل از مردان بیشتر و خوب تر عمل می کند. زن ماشین تولید اولاد سازی نیست. زن قدرت انجام کار های به مراتب شاقه تر نسبت به مرد را دارد. زن می تواند بخشی از اقتصاد خانواده را با کار در کارخانه، دفتر، مدرسه و دانشگاه، برآورده سازد و سهم مشترک اقتصادی در زندگی خانواده بگیرد. جن، جادو، تعویذ، دم و دعا موهوماتی خرافاتی اند که زنان را در قید مردان حفظ و در چهار دیوار خانه برای همیشه زندانی نگاه می دارند. سواد آموختن گناه نیست. تبلیغات از این نوع برای تمام مردم و اعضای خانواده مهم و حیاتی است.

گام دوم، به دست آوردن خواست های بحق زنان است. همانگونه که زنان در هشت مارچ ۱۹۰۸، برای خواست های بحق شان دست به اعتصاب زدند و با قربانی دادن ۱۲۹ زن کارگر صنایع پوشاک در نیویورک حماسه آفریدند. و سازمان ملل روز ۸ مارچ را در ۱۹۷۷ به نام روز همبستگی بین المللی زنان به رسمیت شناخت. زنان کشور های اسلامی نیز روزی از چنگال دیو و اهریمن دین سالار و متحجر مذهبی آزاد خواهند شد. زنان افغانستان فقط زمانی می توانند خواست های شان را به دست آورند که خواست اعتراضی خود را با خواست های طبقات و اقشار سایر زحمت کشان افغانستان، پیوند و ارتباط دهند و آگاهانه به حرکت های اعتراضی و مبارزاتی شان که از حمایت و پشتیبانی همه جانبه مردم افغانستان برخوردار باشد، ادامه دهند.

ادامه دارد

از منابعی که در این نوشته استفاده شده است:

صفحه فیس بوک « حرکت خود جوش زنان مبارز افغانستان »

فیس بوک «انجمن حمایت از زنان افغانستان»

« اخبار » تلویزون های افغانستان و جهان

۱۵ مارچ ۲۰۲۲